



رهبر انقلاب در اجتماع پرشور زائران حرم امام خمینی(ره): ای امام! شهادت می‌دهم مردم راه تو را حفظ کرده‌اند

رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع عظیم و نورانی قشرهای مختلف مردم سراسر کشور، با تبیین ویژگی‌های بیداری اسلامی ملت‌های منطقه به عنوان تحقق پیش‌بینی مبارک امام...

رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع عظیم و نورانی قشرهای مختلف مردم سراسر کشور، با تبیین ویژگی‌های بیداری اسلامی ملت‌های منطقه به عنوان تحقق پیش‌بینی مبارک امام، معنای حقیقی ارادت عمیق و ستایش برانگیز ملت را به امام راحل عظیم‌الشان، پذیرش و پایبندی ملی به مکتب و راه آن بزرگوار خواندند و فرمودند: در جوار مرقد مطهر امام، در جوار ارواح طیبه شهدایی که در این گلزار معنوی - بهشت زهرا - به خاک سپرده شده‌اند، شهادت می‌دهم که ملت ما این راه را خوب حرکت کرده است، راه امام را حفظ کرده است.

متن کامل فرمایشات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا و نبيتنا ابي القاسم المصطفى محمد و علي اله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقیة الله في الارضين.

سلام و رحمت خدا بر روح مطهر امام بزرگوار و شهدای انقلاب اسلامی. امروز بار دیگر ملت ایران سالگرد امام بزرگوارمان را با این تجدید یاد و خاطره، در جهت مکتب امام و راه امام پی می‌گیرند. هر سال روز چهاردهم خرداد فرصتی است برای مطرح شدن بخشی و بعدی از ابعاد زندگی مطهر امام و خط مبارک و روشن آن بزرگوار. امسال این روز با روز اول ماه مبارک رجب هم همراه است. ماه رجب، ماه رحمت و برکت الهی است. از پیغمبر مکرم اسلام نقل شده است که فرمود: «اللهم بارک لنا فی رجب و شعبان». (1) این ماه و ماه شعبان، گذرگاه مؤمنان به سوی ماه ضیافت الهی - ماه مبارک رمضان - است.

امسال سالگرد امام با یک حادثه مهم دیگر نیز همراه و همزمان است و آن، بیداری اسلامی است؛ حادثه و حماسه‌ای که امام بزرگوار ما انتظار آن را می‌کشیدند، آرزوی آن را داشتند و از آن خبر هم داده بودند. امام بزرگوار حرکت بیداری ملت‌های مسلمان را پیش‌بینی می‌کرد و خداوند متعال تفضل فرمود، این پیش‌بینی به وقوع پیوست؛ همچنان که سقوط حکومت شوروی را پیش‌بینی کرد و خدای متعال آن را تحقق بخشید.

امروز عرایض من در دو بخش است، که امیدوارم بتوانم در مدت کوتاهی این دو بخش را عرض کنم. یک بخش، مروری است بر درس بزرگ امام بزرگوار ما؛ مروری بر مکتب ماندگار امام عزیز ما که ذخیره ملت ایران است؛ سرمایه‌ای است که ملت ایران با تکیه بر آن، با در دست داشتن این سرمایه، توانسته است گذرگاه‌های دشواری را که به طور معمول و متعارف در سر راه ملتی با چنین آرمان‌هایی قرار دارد، طی کند. یک بخش هم نگاه به مسائل منطقه است.

در باب مکتب امام، این نکته را ملت عزیز ایران کاملاً می‌دانند که ارادت و محبت مردم به امام بزرگوار، صرفاً از نوع یک علقه قلبی و احساسی و عاطفی نیست. اگرچه از لحاظ احساسات و عواطف، محبت امام در دل‌ها موج می‌زند، اما این همه مسئله نیست؛ بلکه ارادت مردم به امام بزرگوار، به معنی پذیرش مکتب امام به عنوان راه روشن و خط حرکت عمومی و همگانی ملت ایران است؛ یک راهنمای نظری و عملی است که کشور و ملت را به عزت و پیشرفت و عدالت می‌رساند. در طول این سی و دو سال گذشته، عملاً هم همین بوده است. یعنی هر جا ما توفیق پیدا کردیم که به توصیه‌های امام جامه عمل ببوشانیم، هر جا توانستیم خط انگشت اشاره امام را دنبال کنیم، توفیقات فراوانی نصیب ما شد. مردم با این چشم، به راه امام و خط امام و میراث ماندگار امام نگاه می‌کنند. در این سی سال، ملت ما توانسته است در مقابل سنگین‌ترین توطئه‌ها ایستادگی کند. علیه ملت ایران توطئه نظامی بود، توطئه امنیتی بود، توطئه اقتصادی بود - این تحریم‌های گسترده در طول این سی سال وجود داشته است - توطئه تبلیغاتی بود - امپراتوری گسترده رسانه‌ای و تبلیغات، علیه ملت ایران به طور کامل مشغول کار و تحریک بوده است - توطئه سیاسی بود. ملت ایران به برکت مکتب امام و راه امام، در مقابل این توطئه‌ها ایستادگی کرد.

مکتب امام یک بسته کامل است، یک مجموعه است، دارای ابعادی است؛ این ابعاد را باید با هم دید، با هم ملاحظه کرد. دو بعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، بعد معنویت و بعد عقلانیت است. بعد معنویت است؛ یعنی امام بزرگوار ما صرفاً با تکیه بر عوامل مادی و ظواهر مادی، راه خود را پی نمی‌گرفت؛ اهل ارتباط با خدا، اهل سلوک معنوی، اهل توجه و تذکر و خشوع و ذکر بود؛ به کمک الهی باور داشت؛ امید او به خدای متعال، امید پایان‌ناپذیری بود. و در بعد عقلانیت، به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات، در مکتب امام مورد ملاحظه بوده است. من نسبت به هر کدام، چند جمله‌ای عرض خواهم کرد.

بعد سوم هم وجود دارد، که آن هم مانند معنویت و عقلانیت، از اسلام گرفته شده است. عقلانیت امام هم از اسلام است، معنویت هم معنویت اسلامی و قرآنی است، این بعد هم از متن قرآن و متن دین گرفته شده است؛ و آن، بعد عدالت است. اینها را باید با هم دید. تکیه بر روی یکی از این ابعاد، بی‌توجه به ابعاد دیگر، جامعه را به راه خطا می‌کشاند، به انحراف می‌برد. این مجموعه، این بسته کامل، میراث فکری و معنوی امام است. خود امام بزرگوار هم در رفتارشان، هم مراقب عقلانیت بود، هم مراقب معنویت بود، هم با همه وجود متوجه به بعد عدالت بود.

من چند نمونه از مظهر عقلانیت امام عرض می‌کنم. اولین نمونه، همین گزینش مردم سالاری برای نظام سیاسی کشور بود؛ یعنی تکیه

به آراء مردم. انتخاب مردم سالاری، یکی از مظاهر روشن عقلانیت امام در مکتب حیاتبخش و نجاتبخش او بود. قرن های متمادی حکومت های فردی بر کشور ما حکومت کرده بودند و حتی در دورانی که در ایران جریان مشروطه به وجود آمد و بظاهر جریان قانون در کشور رسمی شد، عملاً استبداد و دیکتاتوری دوران پهلوی از استبداد گذشتگان نشان گزنده تر و سخت تر و مصیبت بارتر بود. در کشوری با این سابقه، امام بزرگوار ما این امکان را پیدا کرد، این توفیق را یافت که مسئله حضور مردم و انتخابات مردمی را به یک حقیقت نهادینه شده تبدیل کند. مردم ما هرگز مزه انتخابات آزاد را، جز در برهه های بسیار کوتاه در صدر مشروطه، تجربه نکرده بودند. در یک چنین کشوری، در یک چنین فضائی، امام بزرگوار ما از اولین قدم، انتخابات را در کشور نهادینه کرد. بارها شنیدید که در طول این سی و دو سالی که از پیروزی انقلاب اسلامی می گذرد، در حدود سی و دو یا سی و سه انتخابات در کشور اتفاق افتاده است، که مردم آزادانه پای صندوق های رأی آمدند و رأی خودشان را به صندوق انداختند و منشأ تشکیل مجلس و دولت و خبرگان و شوراها شهر و امثال اینها شدند. این، بارزترین نمونه عقلانیت امام بزرگوار ما بود.

یک نمونه دیگر از عقلانیت امام و تکیه او به خرد و هوشمندی، عبارت است از سرسختی و عدم انعطاف او در مقابله با دشمن مهاجم. امام به دشمن اعتماد نکرد. بعد از آنکه دشمن ملت ایران و دشمن این انقلاب را درست شناخت، در مقابل او مثل کوه ایستاد. آن کسانی که خیال کردند و خیال می کنند عقل اقتضاء میکند که انسان گاهی در مقابل دشمن کوتاه بیاید، امام درست نقطه مقابل این تصور حرکت کرد. عقلانیت امام و آن خرد پخته قوام یافته این مرد الهی، او را به این نتیجه رساند که در مقابل دشمن، کمترین انعطاف و کمترین عقب نشینی و کمترین نرمش، به پیشروی دشمن می انجامد. در میدان رویارویی، دشمن از عقب نشینی طرف مقابل، دلش به رحم نمی آید. هر یک قدم عقب نشینی ملت مبارز در مقابل دشمنان، به معنای یک قدم جلو آمدن دشمن و مسلط شدن اوست. این، یکی از مظاهر عقلانیت امام بزرگوار بود.

یک مظهر دیگر عقلانیت امام، تزریق روح اعتماد به نفس و خوداتکائی در ملت بود. در طول سال های متمادی، از آغاز تسلط و ورود غربی ها در این کشور - یعنی از اول قرن 19 میلادی که پای غربی ها به ایران باز شد - دائماً به وسیله عوامل و دستیاران خودشان، با تحلیل های گوناگون، تویی سر ملت ایران می زدند؛ ملت ایران را تحقیر می کردند، به ملت ایران می باوراندند که نمی تواند، عرضه اقدام علمی و پیشرفت علمی ندارد، توانائی کار کردن و روی پای خود ایستادن را ندارد. سردمداران رژیم پهلوی و قبل از او، مکرر ملت ایران را تحقیر می کردند. اینجور وانمود می کردند که اگر پیشرفتی متصور است، اگر کار بزرگی باید بشود، باید به وسیله غربی ها بشود؛ ملت ایران توانائی ندارد. امام بزرگوار به یک چنین ملتی روح اعتماد به نفس را تزریق کرد، و این نقطه تحول ملت ایران شد. پیشرفت های ما در زمینه علمی، در زمینه صنعتی، در انواع و اقسام عرصه های زندگی، معلول همین اعتماد به نفس است. امروز جوان ایرانی ما، صنعتگر ایرانی ما، دانشمند ایرانی ما، سیاستمدار ایرانی ما، مبلغ ایرانی ما احساس توانائی میکند. این شعار «؛ ما میتوانیم» را امام بزرگوار در اعماق جان این ملت قرار داد. این، یکی از مظاهر مهم عقلانیت امام بزرگوار بود.

یک مظهر دیگر، تدوین قانون اساسی بود. امام خبرگان ملت را از طریق انتخابات مأمور کرد که قانون اساسی را تدوین کنند. آن تدوین کنندگان قانون اساسی، با انتخاب ملت این کار را انجام دادند. اینجور نبود که امام یک جمع خاصی را بگذارد که قانون اساسی بنویسند؛ به عهده ملت گذاشته شد. ملت خبرگانی را با شناسائی خود، با معرفت خود انتخاب کردند و آنها قانون اساسی را تدوین کردند. بعد امام همین قانون اساسی را مجدداً در معرض آراء مردم قرار داد و فراندوم قانون اساسی در کشور تشکیل شد. این، یکی از مظاهر عقلانیت امام است. ببینید، پایه های نظام را امام اینجور مستحکم کرد. هم از لحاظ حقوقی، هم از لحاظ سیاسی، هم از لحاظ فعالیت اجتماعی، هم از لحاظ پیشرفت های علمی، امام یک قاعده محکم و مستحکمی را به وجود آورد که بر اساس این قاعده می شود تمدن عظیم اسلامی را بنا نهاد.

از جمله مسائلی که مظهر عقلانیت امام بزرگوار بود، این بود که ایشان به مردم تفهیم کرد که آنها صاحب و مالک این کشورند. مملکت صاحب دارد. این حرف را در دوران حکومت های استبدادی بر زبان جاری می کردند که آقا مملکت صاحب دارد. مرادشان از صاحب مملکت، دیکتاتورها و مستبدینی بودند که بر کشور حکمرانی میکردند. امام به مردم تفهیم کرد که مملکت صاحب دارد و صاحب مملکت، خود مردم هستند.

مظهر معنویت در امام بزرگوار، در درجه اول، اخلاص خود او بود. امام کار را برای خدا انجام داد. از اول، هرچه که احساس می کرد تکلیف الهی اوست، آن را انجام می داد. از فداکاری در این راه، امام ابا نکرد. از شروع مبارزات در سال 1341، امام اینجور عمل کرد؛ با تکلیف پیش رفت. به مردم و مسئولین هم این درس را بارها گفت و تکرار کرد که آنچه مهم است، تکلیف است. ما تکلیف را انجام می دهیم، ترتب نتیجه بر کار ما دست خداست. بنابراین مظهر مهم معنویت در رفتار امام، اخلاص او بود. برای خاطر تعریف و تمجید این و آن، حرفی نزد، کاری نکرد، اقدامی نکرد. آنچه که برای خدا انجام داد، به وسیله خدای متعال به آن برکت داده شد؛ ماندگار شد. خاصیت اخلاص این است. امام همین توصیه را به مسئولین هم تکرار می کردند. امام ماها را امر میکردند به این که اهل توکل باشیم، اهل اعتماد به خدا باشیم، اهل حسن ظن به پروردگار باشیم، برای خدا کار کنیم. خود او اهل توکل بود، اهل تضرع بود، اهل توسل بود، اهل استمداد از خدا بود، اهل عبادت بود. بعد از پایان ماه رمضان، انسان وقتی امام را میدید، به طور محسوسی در او احساس نورانیت میکرد. از فرصتهای زندگی برای تقرب به خدای متعال، برای پاکیزه کردن دل و جان مظهر خودش استفاده میکرد. دیگران را هم امر می کرد و می گفت: ما در محضر خدا هستیم. عالم، محضر خداست. عالم، محل حضور جلوه های الهی است. همه را به این راه سوق می داد. خود او اهل رعایت اخلاق بود، دیگران را هم به اخلاق سوق می داد. بخش مهمی از معنویت در اسلام عبارت است از اخلاق، دوری از گناه، دوری از تهمت، دوری از سوءظن، دوری از غیبت، دوری از بددلی، دوری از جداسازی دل ها از یکدیگر. خود امام بزرگوار این چیزها را رعایت می کرد، به مردم هم سفارش می کرد، به مسئولین هم سفارش می کرد. امام ماها را توصیه می کردند به این که مغرور نشویم، خودمان را بالاتر از مردم ندانیم، خودمان را بالاتر از انتقاد ندانیم، بی عیب ندانیم. همه مسئولین طراز

اول کشور این را از امام شنیده بودند که بایستی آماده باشیم؛ اگر چنانچه از ما عیب گرفتند، نگوئیم ما بالاتر از اینیم که عیب داشته باشیم، بالاتر از اینیم که به ما انتقادی وارد باشد. خود امام هم همین جور بود. ایشان، هم در نوشته های خود - بخصوص در اواخر عمر شریفش - هم در اظهارات خود، بارها گفت من در فلان قضیه اشتباه کردم. اقرار کرد به این که در فلان قضیه خطا کرده است؛ این خیلی عظمت لازم دارد. روح یک انسانی باید بزرگ باشد که بتواند یک چنین حرکتی را انجام دهد؛ خودش را منسوب کند به اشتباه و خطا. این معنویت امام بود، این اخلاق امام بود؛ این یکی از ابعاد مهم درس امام به ماست.

بعد عدالت هم در مکتب امام بسیار برجسته است. اگرچه به یک معنا عدالت هم از همان عقلانیت و نیز از معنویت برمی خیزد، اما برجستگی بعد عدالت در منظر امام بزرگوار، آن را به طور مشخص تری در مقابل ما قرار می دهد. از اول پیروزی انقلاب، امام تکیه بر طبقات ضعفا را اصرار کردند، تکرار کردند، توصیه کردند. تعبیر «#171: یابرهنگان» و «#171: کوخ نشینان» جزو تعبیراتی بود که در کلام امام بارها و بارها تکرار شد. به مسئولین اصرار داشتند که به طبقات محروم برسید. به مسئولین اصرار داشتند که از اشرافیگری پرهیز کنند. این، یکی از توصیه های مهم امام بزرگوار بود. ما نباید اینها را فراموش کنیم. آفت مسئولیت در یک نظامی که متکی به آراء مردم و متکی به ایمان مردم است، این است که مسئولین به فکر رفاه شخصی بیفتند؛ به فکر جمع آوری برای خودشان بیفتند؛ در هوس زندگی اشرافیگری، به این در و آن در بزنند؛ این آفت بسیار بزرگی است. امام خودش از این آفت بکلی برکنار ماند و مسئولین کشور را هم بارها توصیه می کرد که به کاخ نشینی و به اشرافیگری تمایل پیدا نکنند، سرگرم مال اندوزی نشوند، با مردم ارتباط نزدیک داشته باشند. ماها که آن روز جزو مسئولین بودیم، امام دوست می داشت که با مردم ارتباط داشته باشیم، مأنوس باشیم؛ اصرار داشت که خدمات به اقصی نقاط کشور برده شود؛ مردم نقاط دور، از خدمات عمومی کشور بهره مند شوند. اینها ناظر به آن بعد عدالت امام بزرگوار بود. امام اصرار داشت که مسئولین از میان مردم انتخاب شوند، از خود مردم باشند، وابستگی ها ملامک قبول مسئولیت ها نباشد. وابستگی به شخصیت ها، به فامیل ها، بلای هزار فامیلی که در دوران قاجار و دوران پهلوی بر سر این کشور آمد، امام بزرگوار ما را نسبت به این قضیه حساس کرده بود. گاهی در مقام تعریف از یک مسئولی می گفتند: این از دل مردم برخاسته است. ملامک را این می دانستند. از نظر امام بزرگوار، تکیه به ثروت و تکیه به قدرت برای گرفتن مسئولیت، جزو خطرهای بزرگ برای کشور و برای انقلاب بود. خوب، اینها ابعاد خط امام است.

برادران و خواهران من! ملت عزیز ایران! این مکتب، ما را در طول این سی و دو سال از گردنه های خطرناکی عبور داده است؛ سطح عزت ملی و شرافت بین المللی ما را بالا آورده است. کشور به برکت پیمودن این راه، در همان حدی که رعایت کرده است، پیشرفت کرده است؛ به سمت آرمان های خود پیش رفته است. ما باید رعایت کنیم، منتها همه جوانب را با هم. اگر کسی یا جریانی بخواهد به نام عقل گرایی، از ارزشهای اسلامی و انقلابی عدول کند، این انحراف است. اگر کسی بخواهد به وسیله عقل گرایی، در مقابل دشمن بی تقوایی به خرج بدهد، وابستگی به وجود بیاورد، این انحراف است، این خیانت است. آن عقلانیتی که در مکتب امام بزرگوار ما هست، اقتضاء نمی کند که ما از خدعه دشمن غافل شویم، از کید او غافل شویم، از نقشه عمیق او غافل شویم، به او اعتماد کنیم، در مقابل او کوتاه بیائیم. هرچه که انسان در مقابل دشمن کوتاه بیاید، پشتوانه عظیم معنوی در درون کشور و درون ملت را از دست خواهد داد.

همین طور در نقطه دیگر: اگر به نام عدالت خواهی و به نام انقلابیگری، اخلاق را زیر پا بگذاریم، ضرر کرده ایم؛ از خط امام منحرف شده ایم. اگر به نام انقلابیگری، به نام عدالت خواهی، به برادران خودمان، به مردم مؤمن، به کسانی که از لحاظ فکری با ما مخالفند، اما می دانیم که به اصل نظام اعتقاد دارند، به اسلام اعتقاد دارند، اهانت کردیم، آنها را مورد ایداء و آزار قرار دادیم، از خط امام منحرف شده ایم. اگر بخواهیم به نام انقلابیگری و رفتار انقلابی، امنیت را از بخشی از مردم جامعه و کشورمان سلب کنیم، از خط امام منحرف شده ایم. در کشور آراء و عقاید مختلفی وجود دارد. اگر چنانچه یک عنوان مجرمانه ای بر یک حرکتی، بر یک حرفی منطبق شود، این عنوان مجرمانه البته قابل تعقیب است؛ دستگاه های موظف باید تعقیب کنند و می کنند؛ اما اگر عنوان مجرمانه ای نباشد، کسی است که نمی خواهد براندازی کند، نمی خواهد خیانت کند، نمی خواهد دستور دشمن را در کشور اجرا کند، اما با سلیقه سیاسی ما، با مذاق سیاسی ما مخالف است، ما نمی توانیم امنیت را از او دریغ بداریم، عدالت را دریغ بداریم؛ #171: و لایجرمتکم شئان قوم علی الا تعدلوا. قرآن به ما دستور می دهد و می گوید: مخالفت شما با یک قومی، موجب نشود که عدالت را فرو بگذارید و فراموش کنید. #171: عدلوا؛ حتی در مورد مخالف هم عدالت به خرج دهید. #171: هو اقرب للتقوی؛ (2) این عدالت، نزدیکتر به تقواست. مبدا خیال کنید تقوا این است که انسان مخالف خودش را زیر پا له کند؛ نه، عدالت ورزیدن با تقوا موافق است. همه هوشیار باشیم، همه بیدار باشیم. این بعد هم نباید ابعاد دیگر را در سایه قرار بدهد.

بعد معنویت هم همین جور. ما اهل معنویتیم، اهل توسلیم، اهل توجیهیم، اهل ذکریم؛ خدا را شکر. فضای جامعه ما، ملامال از توجه به خداست. ماه رمضان کشور ما، یک ماه رمضان تماشائی است؛ بهار معنویت است. این جوانهای عزیز ما در جلسات قرآن، در جلسات ذکر و دعا، در جلسات توسل، آنچنان حضور نورانی ای دارند که انسان لذت می برد. در روزهای آینده، همین مراسم اعتکافی که جوانان ما راه می اندازند، پدیده شگفت آوری است.

در دوران جوانی ما، در حوزه علمیه قم، ایام نیمه رجب که روزهای معروف اعتکاف است، شاید در مسجد امام آن روز، ده نفر، پانزده نفر، بیست نفر طلبه - آن هم در مرکز حوزه علمیه، که قم باشد - اعتکاف می کردند؛ این کار معمول نبود، بلد نبودند. امروز در دانشگاه های کشور، هزاران نفر از جوانان دانشجو - دختران و پسران - در مساجد دانشگاه ها اعتکاف می کنند، سه روز عبادت می کنند، خلوت می کنند، با خدای خود ارتباط برقرار می کنند؛ مساجد بزرگ و مجامع بزرگ که جای خود دارد. اینها معنویت است. کشور ما اهل معنویت است، اما معنویت ما همراه و همروال است با احساس مسئولیت. این معنویت به هیچ وجه نباید ما را از مسئولیت عظیم انقلابی خودمان جدا کند، بلکه کمک به حرکت انقلابی است. آن کسانی که با تکیه به دینداری و با عنوان کردن دینداری، سعی می

کنند جامعه را سیاست زدائی کنند، جوانان را سیاست زدائی کنند، جوانان را از حضور در عرصه های کشور دور نگه دارند، اشتباه می کنند، راه خطا می روند، دچار انحرافند؛ این ابعاد با همدیگر است.

من در اینجا، در جوار مرقد مطهر امام، در جوار ارواح طیبه شهدائی که در این گلزار معنوی - بهشت زهرا - به خاک سپرده شده اند، شهادت می دهم که ملت ما این راه را خوب حرکت کرده است، راه امام را حفظ کرده است. من به چشم می بینم و می توانم گواهی بدهم که جوانان انقلابی امروز ما، از جوانان انقلابی آغاز انقلاب، اگر از لحاظ ایمان و تقوا و استحکام عقیده بهتر نباشند، عقب تر نیستند. من از صمیم قلب و از بن دندان گواهی می دهم و اعتقاد دارم که بهترین نقش را مردم ایفاء کرده اند؛ ارزش ها را نگه داشته اند، حفظ کرده اند و پای آن ایستاده اند؛ مردم بودند که نقشه های دشمنان ما را خنثی کردند.

نمی خواهم به تفصیل در این باره صحبت کنم؛ هم وقت نیست، هم شاید الان وقت این صحبت نیست؛ اما به اجمال و اشاره عرض میکنم که دشمنان ما تصور میکردند با رحلت امام، آغاز فروپاشی این نظام مقدس کلید زده خواهد شد. آنها خیال می کردند امام که رفت، بتدریج این شعله خاموش خواهد شد، این چراغ خاموش خواهد شد. بعد، مراسم تشییع جنازه امام، آن احساسات مردم، آن حرکت عظیم مردم در حمایت از کاری که خبرگان کردند، اینها را مایوس کرد. یک برنامه ریزی ده ساله کردند - این تحلیل من است، این به معنای اطلاع نیست؛ تحلیلی است که قرائن آن را برای ما اثبات میکند - ده سال بعد امیدوار بودند که نتیجه بدهد. سال 78 که آن حوادث پیش آمد، آن کسی که این حوادث را خنثی کرد، مردم بودند. روز بیست و سوم تیر سال 78 مردم آمدند در خیابانها، توطئه دشمن را که سالها برایش برنامه ریزی کرده بودند، در یک روز باطل کردند. آن روز گذشت. موج دوم، باز یک برنامه ریزی ده ساله بود تا سال 88. به نظرشان فرصتی به دست می آمد. به خیال خودشان زمینه ها را آماده کرده بودند. مطالباتی هم مردم داشتند - مردمی که وابسته به نظامند، وفادار به نظامند - فکر کردند از این مطالبات بتوانند استفاده کنند؛ لذا آن قضایای سال 88 به وجود آمد. دو سه ماه تهران را متلاطم کردند - البته فقط تهران را - دو سه ماه توانستند دل ها و ذهن ها را به خودشان مشغول کنند. اینجا هم مردم آمدند توی میدان. بعد از آنکه باطن ها ظاهر شد، در روز قدس مردم دیدند که اینها حرف دلشان چیست، در روز عاشورا فهمیدند که اینها عمق خواسته هاشان تا کجاست، مردم عزیز ما به میدان آمدند و حماسه نه دی را به راه انداختند. نه فقط در تهران، بلکه در سراسر کشور، میلیون ها نفر در روز نهم دی، بعد هم بلافاصله در بیست و دو بهمن آمدند توی میدان، غائله را ختم کردند. این، هنر مردم است. درود به مردم ایران. درود به ملت مؤمن و مبارز و بصیر و آگاه ایران. ان شاءالله به توفیق الهی، مردم همین راه را و همین خط را و همین آرمان را و همین عزم و همت را تا آخر ادامه خواهند داد.

خوشبختانه این حرکت عظیم مردم ثمرات خودش را هم بخشیده است. به برکت اعتمادی که مردم به مسئولان کشور از خودشان نشان دادند، به برکت امنیتی که با حضور مردم در سرتاسر کشور برقرار است، مسئولین توانسته اند خدمت رسانی را گسترش بدهند و کارهای بزرگی انجام دهند؛ کارهای زیربنائی عظیمی در کشور انجام بگیرد، که شرط لازم برای پیشرفت هر کشوری، همین کارهای زیربنائی است که امروز دارد یکی پس از دیگری انجام می گیرد؛ مردم دارند این را می بینند و ان شاءالله ثمراتش را در کوتاه مدت و بلندمدت خواهند دید. به برکت همین امنیتی که با حضور مردم به وجود آمده است، توطئه های امنیتی دشمنان خنثی می شود، توطئه های تبلیغاتی دشمنان خنثی می شود. به برکت همین حضور مردم است که پیشرفت علمی و فناوری کشور در سطح عالی است. امروز طبق آمارهای بین المللی - نه آمارهای ما - طبق محاسبات بین المللی که اعلام رسمی هم میکنند، سرعت پیشرفت علمی کشور ما، یازده برابر یا دوازده برابر متوسط دنیاست؛ این چیز کمی نیست. این را مخالفین ما می گویند، دشمنان ما آن را اعلام می کنند. امروز جوانان دانشمند شما در بیش از ده رشته مهم درجه اول علمی و فناوری کشور همچنان پیشرفتی کرده اند که در ردیفهای اول دنیا - یعنی در ردیفهای کمتر از دهم دنیا - قرار گرفته اند؛ اینها به برکت حضور مردم است. این حضور، این اعتماد متقابل، این احساس مسئولیت عمومی هرچه ادامه پیدا کند، کشور پیشرفت بیشتری پیدا خواهد کرد. خط امام، این است.

چند جمله هم درباره مسائل منطقه عرض بکنم. اولاً آنچه که در منطقه شمال آفریقا و منطقه ما اتفاق افتاده است، حوادث بسیار مهم و تاریخ سازی است. آنچه در مصر اتفاق افتاد، آنچه در تونس اتفاق افتاد، این بیداری عظیمی که در کشورهای اسلامی اتفاق افتاده است، از آن حوادثی است که گاهی دو قرن، سه قرن میگذرد تا یک چنین حادثه ای به وجود بیاید؛ از آن حوادث بسیار مهم و تأثیرگذار و تاریخ ساز است. البته ملت مصر موفق شد. ملت تونس موفق شد؛ بخصوص پیروزی انقلاب مصر، پیروزی بسیار درخشانی است؛ بسیار کار عظیمی است. در برخی کشورهای دیگر، مثل لیبی، مثل یمن، مثل مردم مظلوم بحرین، مبارزاتی دارد انجام میگیرد؛ هر کدام هم حکم خودش را دارد. آنجا هم حرکات مردم محکوم به پیروزی است؛ دیر و زود دارد، اما سوخت و سوز ندارد. وقتی مردم بیدار شدند، وقتی یک ملت احساس قوت و قدرت و توانائی کرد، هیچ چیزی نمی تواند راه او را سد کند. البته دشمنان ملت های مسلمان - یعنی نظام سلطه، آمریکای شیطان بزرگ، صهیونیست های غدار و حیوان صفت - مشغول فعالیتند و دارند تلاش می کنند؛ می خواهند نگذارند این پیروزی ها به کام مردم شیرین بیاید و به معنای واقعی کلمه به پیروزی نهائی برسد؛ اما اگر ما ملت های مسلمان بیدار باشیم، به ندای قرآن - که ما را به صبر و استقامت و ثبات امر می کند، به ما امید می دهد - گوش کنیم، به خدای متعال سوء ظن نداشته باشیم، به وعده الهی امیدوار باشیم و برای آن تلاش و کار کنیم، بدون شک این ملتها به پیروزی میرسند. البته در لیبی سیاست دولت های غربی این است که کشور لیبی را ضعیف کنند، کم خون کنند؛ سیاستشان این است که جنگ داخلی ادامه پیدا کند تا کشور از رمق بیفتد، بعد یا خودشان مستقیم یا غیرمستقیم بیایند امور آن کشور حساس را به دست بگیرند. کشور لیبی اولاً دارای منابع سرشار نفت است، ثانیاً یک قدمی اروپاست؛ بنابراین برای مستکبرین جهانی، برای آمریکا، برای کشورهای مستکبر در اروپای غربی بسیار مهم است؛ نمیخواهند آسان از او دست بردارند، می خواهند ضعیف کنند. اگر آن کشور را وا می گذاشتند، مردم می توانستند غلبه کنند، حکومت مردمی و اسلامی بر سر کار می آمد، برای آنها خطری بود؛ لذا می خواهند نگذارند این اتفاق بیفتد.

در یمن هم چیزی شبیه این است. یمن هم از لحاظ سوق الجیشی مهم است؛ از لحاظ همسایگی با بعضی از کشورهای مرتبط با

آمریکا و جغرافیای سیاسی، بسیار مهم است؛ آنجا هم نمیخواهند بگذارند مردم به پیروزی برسند. سیاست آمریکا و غرب در این دو کشور این است که مردم به پیروزی نرسند.

مردم بحرین هم در مظلومیت مطلق به سر میبرند. در آنجا هم به عنوان اینکه اینها شیعه هستند، میخواهند حرکت را حرکت طائفی و مذهبی معرفی کنند؛ در حالی که قضیه این نیست. البته مردم بحرین شیعه اند، در طول تاریخ شیعه بودند، اکثریت شیعه اند؛ اما مسئله، مسئله شیعه و سنی نیست؛ مسئله این است که این ملت، مظلوم است؛ از حقوق اولیه یک شهروند در کشور خود، در خاک خود، در سرزمین خود محروم است. حق خود را مطالبه می کند، حق رأی دادن خود را مطالبه می کند؛ میگوید بتوانم رأی بدهم، بتوانم در تشکیل دولت و حکومت نقش ایفاء کنم؛ این که جرم نیست؛ این یک حق مشروع است. آن وقت آمریکایی های دروغگویی ریاکار و خدعه گر که ادعای حقوق بشر و ادعای دموکراسی میکنند، در قضیه بحرین اینجور علیه مردم وارد میدان میشوند. البته انکار می کنند، می گویند ما نیستیم، سعودی ها هستند؛ اما سعودی ها بدون چراغ سبز آمریکا نمی توانستند وارد بحرین شوند و اینجور حوادث تلخ و خونبار را در بحرین به وجود بیاورند. لذا آمریکایی ها هم مسئولند.

دو سه نکته را عرض بکنم؛ وقت تمام شده است و گذشته است. نکته اول این است که شاخص عمده در حرکت مردمی این کشورها سه چیز است: یکی اسلامی بودن، یکی ضد آمریکا و صهیونیست بودن، و یکی مردمی بودن. این شاخص در همه این کشورها مشترک است. ملت مصر که یک ملت شاخص در دنیای عرب و دنیای اسلام است، ملتی است که این نهضت را به راه انداخته است، این انقلاب را در کشور خودش به وجود آورده است، هم اسلامی است، هم مردمی است، هم صریحاً ضد آمریکا و ضد صهیونیستی است. بقیه کشورها هم همین جور.

موضع ما در مقابل این حرکتها مردمی روشن است: هر جا حرکت اسلامی است، مردمی است، ضد آمریکایی است، ما با این حرکت همراهیم؛ اما اگر در جایی ببینیم با تحریک آمریکایی ها، با تحریک صهیونیست ها، یک حرکتی به راه افتاده است، با آن حرکت همراهی نمی کنیم. ما با حرکت های ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی همراهیم. آنجایی که خود آمریکا و خود صهیونیستها وارد میدان می شوند تا یک رژیم را ساقط کنند، تا یک کشوری را اشغال کنند، آنجا ما نقطه مقابل حرکت آمریکایی ها قرار می گیریم. آمریکا نمیتواند به نفع ملت های این منطقه فکری بکند و کاری بکند؛ هر کاری میکنند و هر کاری تا امروز کردند، بر علیه ملت های این منطقه بوده است. این موضع ماست.

نکته دوم: این کشورهایی که بحمدالله به پیروزی رسیدند - مخصوصاً مصر که کشوری بزرگ و دارای میراث غنی اسلامی و معنوی و فرهنگی است - باید مراقب باشند؛ دشمن از در بیرون رفته است، از پنجره برنگردد. این کمک هایی که می گویند آمریکا ممکن است به مصر یا به هر کشور دیگری بکند، خودش مایه گرفتاری است. آمریکایی ها از راه همین کمک ها و همین دلارهاست که تسلط خود را بر کشورها تحکیم میکنند، توقعات خودشان را تحمیل می کنند؛ ملتی که آزادی به دست آورده است، او را دوباره در زیر پنجه اقتدار ظالمانه خود قرار می دهند.

همه باید بیدار باشند. البته ملت مصر بیدارند. این حرکت عظیمی که ملت مصر در اعتراض به موضع رژیم قبلی مصر در زمینه فلسطین و غزه و گذرگاه رفح انجام دادند، حرکت بسیار باارزشی بود؛ باید ادامه پیدا کند. مصر کشور تأثیرگذاری در دنیای عرب است؛ به همین مناسبت هم بود که آن کسانی که می خواستند کشورهای عربی را در مقابل رژیم غاصب صهیونیست به زانو در بیاورند، رفتند سراغ مصر. پیمان ننگین کمپ دیوید را در مصر تحمیل کردند. بعد از قبول پیمان کمپ دیوید در مصر بود که بتدریج کشورهای دیگر عرب هم تسلیم شدند، در مقابل آمریکا خاشع شدند؛ مسئله فلسطین از صحنه تصمیم گیری کشورهای عربی بکلی خارج شد. باید مراقب باشند. روی مصر حساسند. یک روز بعد از دوران جمال عبدالناصر که غربی ها و استکبار رانده شده بودند، دوباره برگشتند؛ این تجربه نباید در مصر تکرار شود. ملت مصر بیدارند، هوشیارند و امیدواریم خداوند به آنها در این زمینه هم کمک کند.

نکته دیگر این است که این سرکوب ها فایده ای ندارد. ملت ها بالاخره وقتی بیدار شدند، وقتی قدرت خودشان را شناختند، این راه را دنبال خواهند کرد و ان شاءالله حرکت ملت های منطقه - چه در آن کشورهایی که امروز حرکت هست، چه آن کشورهایی که بالقوه در آنها این حرکات وجود دارد - به پیروزی خواهد رسید. مردم در این کشورها پیروز خواهند شد، منتها باید مراقب حرکات تفرقه افکنانه ی دشمنان باشند. امروز، هم در مصر، هم در تونس، در شمال آفریقا و در سایر کشورهای اسلامی، دشمنان در پی ایجاد تفرقه اند. بخصوص چون ایران اسلامی کانون حرکت در مقابل استکبار است، میخواهند بین ایران اسلامی و کشورها فاصله بیندازند؛ فاصله های قومی، فاصله های مذهبی. حتی در داخل خود این کشورها میخواهند تفرقه ایجاد کنند. امروز در مصر کسانی از این گروه های تکفیری و وهابی و اینها تلاش میکنند به بهانه های مختلف بین مردم مصر با یکدیگر هم اختلاف بیندازند؛ باید در مقابل این اختلاف افکنی ها هوشیار بود.

موضع ما در مقابل فلسطین هم موضع روشنی است. ما معتقدیم سرزمین فلسطین، کشور فلسطین، یکجا متعلق به فلسطینی هاست. آن کسانی که سعی کردند نقشه فلسطین را از روی صفحه جغرافیا پاک کنند، اشتباه کردند؛ چنین اتفاقی نخواهد افتاد. فلسطین باقی است. چند دهه ای غاصبان آن را غصب کردند، اما بدون تردید دوباره به مردم فلسطین و به آغوش اسلام برخواهد گشت؛ و این اتفاق خواهد افتاد. مردم فلسطین هم بیدارند. فلسطین تجزیه پذیر هم نیست؛ فلسطین یکپارچه متعلق به فلسطینیان است. جمهوری اسلامی از چند سال پیش راه حل را اعلام کرده است. راه حل مسئله فلسطین، این راه حل های آمریکایی و امثال آنها نیست؛ اینها راه به جایی نخواهد برد. راه حل این است که یک فراندوم و همه پرسی ای از مردم فلسطین انجام بگیرد؛ هر رژیمی را که آنها بر طبق فراندوم رأی دادند، آن رژیم باید بر کل فلسطین حاکم شود. بعد آنها خودشان تصمیم خواهند گرفت که با این صهیونیست هایی که از خارج وارد کشور فلسطین شدند، چه معامله ای بکنند؛ این بسته به نظر آن رژیم است که برخاسته از آراء مردم فلسطین است.

پروردگارا ! ملت هاي مسلمان، ملت مصر، ملت تونس، ملت ليبي، ملت يمن، ملت بحرين، ملت مظلوم فلسطين را در تحت عنايات خودت به پيروي كامل برسان. پروردگارا ! بركات خود را بر ملت عزيز ايران روزافزون كن. پروردگارا ! روح مطهر امام بزرگوار و ارواح طيبه شهدا را در عالي ترين مقامات متنعم بفرما. ما را مشمول ادعیه زاکیه حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) قرار بده.

والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ

1- مفاتیح الجنان، اعمال اول ماه رجب